

نشریه مطالعات حقوق تطبیقی
دوره ۵، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۳
صفحات ۱۵۵ تا ۱۷۰

شناسایی اصول تفسیر تریپس در هیئت حل اختلاف

سازمان تجارت جهانی

۱. محسن صادقی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران

۲. نرگس گلپایگانی*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰)

چکیده

موافقتنامه تریپس یکی از موافقتنامه‌های لازم‌الاتباع سازمان تجارت جهانی است؛ بنابراین دعاوی ناشی از اختلاف میان اعضا نیز در مرجع حل اختلاف همین سازمان بررسی می‌شود. یکی از ویژگی‌های متمایز این موافقتنامه نسبت به دیگر موافقتنامه‌ها و کنوانسیون‌های سازمان تجارت جهانی، بیان حداقل‌ها و پیش‌بینی اختیار کشورها در تنظیم قوانین داخلی خود با در نظر گرفتن استانداردها و متناسب با شرایط و مقتضیات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنها می‌باشد. در هر حال روشن است که برداشت کشورها از مواد مختلف یکسان نیست و همین موضوع اغلب سبب بروز اختلاف‌هایی میان اعضای سازمان تجارت جهانی در حوزه مالکیت فکری شده است. با توجه به این مسئله که یکی از اهداف تجارت بین‌الملل بالابردن قابلیت پیش‌بینی اوضاع و احوال است، شناسایی شیوه تفسیر مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی از موافقتنامه تریپس می‌تواند رهنمود مناسبی برای کشورها در استحکام هرچه بیشتر قوانین، در وهله نخست برای پیشگیری از بروز اختلاف و در صورت بروز دعوا، در وهله بعدی بالابردن ضریب موفقیت در مرجع حل اختلاف باشد.

واژگان کلیدی

اصول تفسیر، سازمان تجارت جهانی، کنوانسیون وین، مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، موافقتنامه تریپس.

مقدمه

فعالیت‌های آزادسازی تجارت که از آغاز قرن بیستم با نوساناتی از سوی کشورهای صنعتی دنبال می‌شد، پس از جنگ جهانی دوم به صورت سامان‌یافته‌تری در قالب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به رسمیت شناخته شد. در حوزه مالکیت فکری نیز با رونق تجارت بین‌الملل برخی از کشورها از جمله ایالات متحده در سال ۱۹۸۶م در صدد تجمیع قوانین حوزه مالکیت فکری با گات شدند. آنها در عین حال از پایین بودن سطح حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری در قالب معاهدات و ایپو شکایت داشتند؛ بنابراین با افزایش احساس نیاز ورود مالکیت فکری به چرخه تجارت آزاد، موافقت‌نامه تریپس با جمع آوری بسیاری از قوانین ماهوی حوزه مالکیت فکری در قالب سازوکار تجارت، پا به عرصه گذاشت.

باین حال، گسترش و پیچیدگی مسائل مرتبط با تجارت چندجانبه و پاسخگو نبودن گات به آنها سبب گردید که به تدریج اعضای این نهاد و به عبارت دقیق‌تر طرف‌های متعاقد گات در صدد ایجاد ساختاری دقیق و پاسخگو برای این منظور برآیند. این گام در مذاکرات «دور اروگوئه» و با امضای موافقت‌نامه مراکش برداشته شد و سازمان تجارت جهانی از آغاز سال ۱۹۹۵ م جایگزین گات شد.

نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی با برطرف کردن ایرادهای موجود در سازوکار حل اختلاف پیشین، سبب مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه شده است.

با توجه به اینکه موافقت‌نامه تریپس نیز در شمار موافقت‌نامه‌های لازم‌الاتباع سازمان تجارت جهانی قرار گرفته است، طبیعتاً دعای مالکیت فکری هم در این مرجع حل و فصل خواهند شد. همچنین، این موافقت‌نامه بیشتر کنوانسیون‌های مهم متضمن حمایت از حقوق مالکیت فکری را زیر پوشش خود قرار می‌دهد که اعمال این قوانین در بستر تجارت آزاد می‌تواند دربرگیرنده مسائل خاص خود باشد. بنابراین، ارجاع اختلافات مربوط به حقوق مالکیت فکری به مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی شامل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای حقوق مالکیت فکری حمایت‌شده در کنوانسیون‌های نامبرده نیز می‌باشد.^۱ در واقع، فلسفه و ضرورت تفسیر موافقت‌نامه تریپس ناشی از آن است که برخی از مواد و اصطلاحات مطرح‌شده در موافقت‌نامه دچار ابهام هستند؛

۱. بند ۱ ماده ۶۴ موافقت‌نامه تریپس: «مقررات مواد ۲۳، ۲۲ گات ۱۹۹۴م، آن‌گونه که در تفاهم‌نامه حل اختلافات تنظیم و اعمال شده است، در مورد مشورت‌ها و حل اختلافات ناشی از موافقت‌نامه حاضر، جز در مواردی که در این سند به‌گونه دیگری مقرر شده است، قابل اجرا خواهد بود».

مضاف بر آنکه موافقت‌نامه تریپس دست کشورها را در تنظیم قوانین بازگذارده و تنها به بیان حداقل‌ها اکتفا کرده است. بنابراین مسلم است که کشورها برای پیش‌بینی قوانین خود تا حد امکان مباحث اقتصادی و سیاسی مقتضی جوامع خود را لحاظ خواهند کرد و از موادی که در موافقت‌نامه به روشنی شرح داده نشده باشد، سود می‌برند که در بیشتر موارد همین برداشت‌های آزاد از موضوعات متفاوت سبب بروز دعاوی می‌شود. در برخی زمینه‌ها نیز ممکن است میان اصطلاحات مشابه پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های موضوع استناد تریپس و خود موافقت‌نامه تعارض وجود داشته باشد و همه این‌ها نشانگر ضرورت نقش هیئت حل اختلاف در تفسیر است.

درعین حال، این مقاله در پی پاسخگویی به آنست که هیئت در تفسیر تریپس تا چه حد تابع اصول و مبانی خاص می‌باشد، و آیا روند رسیدگی و آرای صادره از ناحیه هیئت حل اختلاف دستاورد خاصی دربر داشته است و در این صورت این آرا تا چه اندازه برای کشورها قابل اعتنا خواهد بود.

از زمان تأسیس هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، آرای متعددی از سوی این سازمان صادر شده است و در این میان گرچه پرونده‌های مربوط به تریپس نسبت به دیگر موضوعات تجاری کمتر است، برخی از آنها دارای نکات تفسیری قابل تاملی می‌باشد که اگر به گزاف سخن نگفته باشیم، می‌توان آن‌ها را به عنوان اصول تفسیری مواد مختلف موافقت‌نامه تریپس قلمداد کرد. این موضوع با هدف تجارت بین‌الملل مبنی بر حفظ امنیت و قابل پیش‌بینی بودن اوضاع و احوال نیز در هماهنگی کامل می‌باشد و مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در ماده (۲) ۳ خود نیز بر این موضوع مهر تأیید زده است. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی آرای صادره از رکن حل اختلاف در شفاف‌سازی تعهدات کلیدی کشورها و تأمین نوعی قواعد پایدار یا رفع ابهام از نقاط مبهم موجود در موافقت‌نامه تریپس نیز تاثیرگذار است.

افزون بر آن، روند رسیدگی به دعاوی مختلف، نوعی جریان آموزشی برای کشورهای طرف دعواست و در بسیاری مواقع کشورها قادرند از رویه‌های مفصلی که هم‌اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد، نتیجه دعوا را پیش‌بینی کنند. همچنین طرفین می‌توانند با تمسک به این رویه‌ها و تفاسیر ارائه‌شده از سوی این مرجع در موارد استنادی، از بروز اختلافات جلوگیری کرده، قرار دادهای فی‌مابین را با استحکام بیشتری منعقد سازند.

لذا با توجه به اینکه کشور جمهوری اسلامی ایران در آستانه پیوستن به سازمان تجارت جهانی است، باید قوانین خود را مطابق با این تحول اصلاح کند؛ از جمله همسان‌سازی قوانین داخلی با مقررات موافقت‌نامه تریپس و دستاوردهای ناشی از تفسیر

صورت گرفته از سوی هیئت حل اختلاف از ضروریات می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه هیئت حل اختلاف در آرا و تفاسیر خود مدعی تأثیرپذیرفتن از ملاحظات سیاسی است، می‌توان امید داشت که کشور ما در سطح ملی با بهره‌گیری هوشمندانه از رویه هیئت در موضوعات مطرح شده و نیز در سطح بین‌المللی، از مواد مندرج در تفاهم‌نامه در بخش رویکرد ویژه به کشورهای در حال توسعه به سود خود استفاده کند.

پژوهش‌ها و مقالات صورت گرفته در این زمینه تاکنون به سازوکار شکلی هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی پرداخته و چندان وارد مباحث ماهوی و بررسی رویه‌های قضایی ارائه شده از این هیئت نشده اند. لذا در این مقاله کوشش شده است با بررسی پرونده‌های مطرح شده در مرجع حل اختلاف، اصول و دستاوردهای هیئت در رسیدگی به اختلافات حوزه مالکیت فکری استخراج شود که با توجه به محدودیت حجم مقاله، در گفتار اول به یکی از مهم‌ترین اصول مطرح شده در کنوانسیون وین به عنوان مبنای تفسیر معاهدات در قالب پرونده محصولات دارویی کانادا پرداخته شده است و پس از آن در گفتار دوم، نقش کنوانسیون‌های استناد شده در موافقت‌نامه تریپس بر اساس پرونده موسوم به هاوانا کلاب موضوع بحث قرار گرفته است و در گفتار سوم، امکان پیروی از پرونده‌های مطرح شده در هیئت، ضمن پرونده اروپا و امریکا علیه هند، بررسی خواهد شد.

گفتار اول: اصول مندرج در کنوانسیون وین ۱۹۶۹م

کنوانسیون وین (حقوق معاهدات) مبنای اصول بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهد و مواد ۳۱ و ۳۲ آن اساس تفسیر معاهدات است که هیئت حل اختلاف آن را تأیید کرده است.

از زمان شروع به کار هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، هیئت‌های رسیدگی‌کننده و هیئت استیناف، استناد به کنوانسیون وین در تفسیر معاهدات را دستور کار خود قرار داده‌اند. تفاهم‌نامه هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی هم در ماده ۳(۲) خود، قوانین عرفی بین‌المللی تفسیر را وسیله شفاف‌سازی مقررات و قوانین موافقت‌نامه‌ها و معاهدات تحت شمول سازمان تجارت جهانی قلمداد می‌کند.

یکی از اصول مطرح شده در ماده ۳ کنوانسیون وین، اصل تفسیر بر اساس واژه‌ها، سیاق عبارات و اهداف و موضوع معاهده است که در ادامه بحث و بررسی خواهد شد. تفسیر ابزاری بسیار دقیق و در عین حال ظریف است و شیوه مناسب تفسیر می‌تواند نتیجه دعوی مطرح شده را کاملاً تحت الشعاع قرار دهد.

یک مفسر همواره باید به خاطر داشته باشد که عبارات و واژه‌های موجود در معاهدات، در پرتو مقاصد و اهداف واضعاً به کار رفته است و برای پی‌بردن به معنای

دقیق و منطبق با موضوع بحث، جمیع معانی ظاهری واژه‌ها، اهداف و سیاق باید بررسی شوند.

کنوانسیون وین در ماده ۳۱ بیان می‌دارد که معاهدات باید بر اساس معنای معمولی واژه‌ها، سیاق عبارات و در پرتو اهداف و مبانی معاهده تفسیر شوند. از دیدگاه مفسران، کنار هم آمدن این سه عبارت با در نظر گرفتن اینکه قانون‌گذار تاملی واژه‌ها را مبتنی بر منطق و اصولی خاص به کار برده است، مبهم می‌نماید (Jonasand, Saunders, 2010, p. 573)؛ چراکه هدف‌های یک معاهده در سیاق عبارت‌های آن جاری است و هدف‌ها از جمله‌ها و عبارت‌های معاهده استخراج می‌شود و بررسی آن در تفسیر یک ماده به‌تنهایی کافی نیست، زیرا تمام مواد موافقت‌نامه در هماهنگی کامل وضع شده‌اند؛ برای مثال یک ماده باید با همه استثنایها و یا شرط‌های مختلف یادشده در دیگر مواد تفسیر شود (KmilYasseen, 1996, p. 221).

مطابق ماده ۳۱، سیاق عبارات شامل عبارت‌ها، متن، مفاهیم و هدف‌ها می‌شود. در واقع با توجه به نص ماده، این پرسش مطرح می‌شود که قانون‌گذار برای تفسیر، کدام یک از مکاتب تفسیری^۲ را مدنظر داشته است.

به عقیده یکی از نویسندگان (Jonas)، تکیه صرف بر اهداف معاهده برای پی‌بردن به مقصود واضعان، تأکید قانون‌گذار در ماده ۳۱ مبنی بر در نظر گرفتن معنای معمولی واژه‌ها و سیاق عبارت‌ها را کم‌رنگ می‌کند.

طرف‌داران مکتب تفسیر تحت‌اللفظی در پی یافتن آن هستند که چه هدف و مقصودی در متن معاهده منعکس شده است و این در حالی است که طرف‌داران مکتب تفسیر ذهنی به دنبال مقاصد و اهداف ذهنی واضعان معاهده هستند؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد نص ماده ۳۱، به‌کارگیری هر دو روش تفسیر تحت‌اللفظی و ذهنی را با تأکید بر مکتب تفسیر تحت‌اللفظی مدنظر دارد. به عبارت دیگر، براین اساس، تفسیر باید بر اساس معنای معمولی اصطلاحات و سیاق عبارت‌ها صورت گیرد؛ به‌گونه‌ای که با اهداف معاهده نیز همسویی داشته باشد. هدف معاهده باید عنصری در کنار سیاق عبارت‌ها تلقی شود و تفسیر معاهده ترکیبی از مکتب تحت‌اللفظی و مکتب ذهنی باشد (Jonasand, Saunders, 2010, p. 573).

۲. مکتب تفسیر تحت‌اللفظی، مکتب تفسیر ذهنی، مکتب تفسیرغایی. طرف‌داران مکتب تفسیر غایی معتقدند، تفسیر در این روش به روشن کردن مفاهیم قوانین، از میان برداشتن ابهامات، پرکردن خلأهای موجود، تصحیح اشتباهات و حتی در شرایط خاص به اصلاح قوانین معاهدات می‌پردازد و مفسر در آغاز هدف معاهده را می‌یابد و بعد تمامی عبارات و جمله‌ها را بر اساس آن تفسیر می‌کند.

رویکرد هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی نیز مؤید مطالب گفته شده در خصوص انتخاب شیوه تفسیر مختلط است که در ادامه به آن پرداخته می شود. هیئت بدوی و هیئت استیناف مرجع حل اختلاف برای تفسیر معتقد به دستیابی اهداف واضعان تریپس می باشند و در راستای دستیابی به این منظور، با توجه به تحت شمول قرار گرفتن کنوانسیون برن و پاریس در موافقتنامه تریپس، مذاکرات مقدماتی و دیباچه آن دو را ابزاری مفید برای تفسیر قلمداد می کنند (Frankel, 2005, p.19).

در مقدمه این دو کنوانسیون، هدف از وضع آنها، حمایت از مالکیت فکری برای تشویق نوآوری و خلاقیت در تولید محصولات فکری بیان شده است. همچنین از آنجا که موافقتنامه تریپس جزئی از معاهدات تحت شمول سازمان تجارت جهانی است، بی ارتباط با سایر موافقتنامه ها نیست و باید با روح قوانین و اهداف شکل گیری این سازمان و در هماهنگی کامل با آنها تفسیر شود.

موافقتنامه تریپس هم مانند بسیاری از معاهدات، برخی از مواد خود از جمله مواد ۷ و ۸ را با سرفصل اهداف و اصول بیان کرده^۳ و اعلامیه دوحه نیز این مواد را وسیله دستیابی به اهداف تریپس تلقی کرده است.

در واقع استناد به کنوانسیون های برن و پاریس برای دستیابی به اهداف، شیوه تفسیر ذهنی و اتکا به مواد ۷ و ۸ موافقتنامه تریپس مبین به کارگیری تفسیر تحت اللفظی است و همین موضوع نشان دهنده بهره گیری از تفسیر مختلط از سوی هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی است. این عملکرد در پرونده حمایت از محصولات دارویی کانادا (Canada-Patent Protection of Pharmaceutical Products, WT/DS114/R (2000, p.1) نیز پی گرفته شده است.

در این قضیه، اتحادیه اروپا مدعی بود که قوانین ثبت اختراع کانادا در برقراری حمایت کامل از اختراعات دارویی، مخالف با مواد ۲۷، ۲۸ و ۳۳ تریپس است. بعد از ارجاع پرونده به هیئت رسیدگی کننده بدوی، کانادا در دفاعیات خود به مقدمه تریپس، آنجا که عنوان می کند: «... تضمین اینکه اقدامات و روش های اجرای حقوق مالکیت فکری به صورت مانعی فرا راه تجارت مشروع درنیايد» برای تعیین اهداف موافقتنامه،

3. See, e.g.,- Hague Convention on the International Recovery of Child Support and Other Forms of Family Maintenance art. 51(2), (Nov. 23, 2007).
 - Agreement on Extradition Between the European Union and the United States of America art. 1
 - Inter-American Convention Against Terrorism art. 1, (June 3 2002).
 - Agreement on Mutual Acceptance of Oenological Practices art. (6, Dec. 18, 2001). Available at http://www.trade.gov/td/ocg/eng_agreement.htm, Last Visited 17/08/2012.

استناد کرد و استثنای آورده شده در قانون ثبت اختراع کانادا را در هماهنگی کامل با اهداف تریپس دانست. کانادا بیان داشت: چنانچه از ماده ۷ آنجا که اعلام می‌دارد: «حقوق مالکیت فکری باید به توسعه ابداعات تکنولوژیک و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان و به‌کارگیرندگان دانش فنی کمک کند و به‌گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود»، برمی‌آید که روح تسهیل تجارت آزاد در موافقت‌نامه تریپس گنجانده شده است. همچنین کانادا قائل بر آن بود که ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس^۴ برای دستیابی به اهداف مورد نظرش در خصوص کاهش موانع تجارت آزاد و ترغیب رقبا باید تفسیر موسع شود. کانادا دو استثنا را در راستای تأمین مقاصد اقتصادی خود نسبت به محصولات دارویی ثبت‌شده پیش‌بینی کرده بود:

- نخست، افزون بر صاحب حق اختراع، دیگران نیز حق انبارکردن چنین محصولاتی را قبل از انقضای مدت اختراع دارند که بر اساس آن رقبا قادر خواهند بود به محض انقضای مدت اختراع، از محصول مورد نظر استفاده کنند. کانادا معتقد بود این شیوه به ارتقای دانش و رونق اقتصادی می‌انجامد، اما هیئت رسیدگی کننده این استثنا را در تقابل با حقوق تصریح‌شده صاحب حق اختراع دانست و اظهار داشت، اعمال استثنا در صورتی پذیرفته خواهد شد که وفق ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس لطمه‌ای نامعقول بر منافع مشروع دارنده حق وارد نیاید.

از نص ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس نیز چنین برداشت می‌شود که پیش‌بینی استثنا در شرایطی قابل قبول است که به موضوعات شناخته‌شده در تبصره محدودیت مضیقی وارد نیابد؛ این در حالی بود که کانادا با اعمال استثنای خود، عملاً پیش‌بینی حق قانونی انبار محصول ثبت‌شده را بی‌فایده می‌کرد.

همچنین موافقت‌نامه تریپس خود به بیان حداقل‌ها اکتفا کرده است و معمولاً محدودکردن دایره شمول آن از سوی مراجع رسیدگی کننده به‌سختی پذیرفته می‌شود (Frankel, 2011, p. 21).

- دوم، این استثنا به دیگران مجوز ارزیابی قابلیت تجاری یک محصول دارویی را قبل از انقضای مدت زمان حق اختراع ثبت‌شده می‌دهد. در این صورت، محصول موضوع رقابت این امکان را خواهد داشت که بی‌درنگ بعد از اتمام مدت حمایت یا با حداقل

۴. ماده ۳۰: «اعضا می‌توانند استثنائات محدودی را در مورد حقوق انحصاری ناشی از ثبت اختراع قائل شوند، مشروط بر آنکه استثنائات مزبور مغایرتی غیرمعقول با استفاده معمولی از اختراع ثبت‌شده نداشته باشد و به منافع مشروع مالک اختراع ثبت‌شده، با توجه به منافع مشروع اشخاص ثالث، لطمه‌ای غیرمعقول وارد نیابد».

زمان به بازار عرضه شده، به فروش برسد. البته شرایط شکلی کسب این مجوز دارویی نسبت به قانون ثبت اختراع طولانی تر است.

برخلاف موضوع پیشین، این استثنا از سوی هیئت رسیدگی کننده مشروع شناخته شد؛ چراکه به گمان هیئت این استثنا محدود به حمایت قانونی است و لطمه‌ای نامعقول بر منافع مشروع دارنده حق وارد نمی‌آورد.

کانادا در دفاعیات خود به رویکرد اقتصادی- اجتماعی موافقت‌نامه تریپس در ماده ۸ اشاره کرد و معتقد بود سیاق عبارت‌های این ماده مؤید تفسیر موسع نسبت به برقراری استثناها در قوانین ملی کشورهاست.

اتحادیه اروپا وسیله قراردادان مقدمه و مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه تریپس را نادرست دانسته، اظهار داشته است که مجوز برقراری استثنا، اعمال ماده ۳۰ به صورت کامل و جامع می‌باشد.

از دیدگاه هیئت، مقدمه و تک‌تک مواد تشکیل‌دهنده موافقت‌نامه تریپس در هماهنگی کامل با یکدیگر وضع شده اند و تفکیک‌پذیر نیستند. لذا شروط ماده ۳۰ نیز برای اعمال استثنا با هوشیاری و دقت وافی و در تعامل با اهداف موردنظر تنظیم شده است. بنابراین برای تفسیر و تشخیص درستی محدودیت‌های احتمالی اعمال‌شده از سوی قوانین ملی نیز باید نسبت به هر پرونده به‌طور جداگانه بررسی‌های لازم صورت گیرد و رای مقتضی صادر گردد.

در خصوص به‌کارگیری ماده ۳۰ بحث‌های زیادی شکل گرفت، و موضع اختلاف میان صاحب‌نظران گستره استثنا بود. آنها برای پاسخگویی به شبهات وارده در پی پاسخ به دو پرسش زیر برآمدند:

- آیا تفسیر موسع از اصطلاح «پرونده‌های خاص» (مندرج در موافقت‌نامه تریپس) به تشویق و توسعه نوآوری و انتقال فناوری می‌انجامد؟

- آیا تفسیر موسع از اصطلاح «پرونده‌های خاص» موجب برقراری تعادلی عادلانه میان حقوق مالک و مصرف‌کنندگان می‌شود؟

هیئت در برابر پرسش‌های مطرح‌شده اظهار می‌دارد:

تحلیل این موضوعات ریشه در بحث‌های مربوط به تعادل منافع ناشی از حقوق مختلف اختراع ثبت‌شده دارد و آنچه باید موضوع توجه قرار گیرد آنست که هدف از برقراری استثنا، توسعه و پیشرفت اطلاعات و در پی آن فناوری است که تضمین‌کننده برآوردن اهداف و مذاکرات مقدماتی تریپس است و اعمال استثنا، به دلیل تعارضش با حقوق انحصاری، امری خلاف اصل بوده، باید تفسیر مضیق از آن صورت گیرد؛ بنابراین نمی‌توان به معیار درستی در این خصوص دست یافت و باید درباره هر پرونده به‌صورت ویژه تصمیم‌گیری شود.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد، هیئت در رسیدگی خود در برقراری تعادل میان مواد ۷ و ۸ و ماده ۳۰ به راهکار شفافی دست نیافته و برای احراز مشروعیت استثنای یاد شده، در عمل تنها به تطابق آنها با ماده ۳۰ پرداخته است؛ چنانچه از دیدگاه برخی (Shanker)، رد استثنای انبار کردن با توجه به مبانی موافقت‌نامه تریپس منطقی به نظر نمی‌رسد و این بی‌توجهی هیئت به اهداف و مبانی موافقت‌نامه در تجویز و یا رد استثناءها، سیستم‌های قانون‌گذاری ملی را در تعمیم مواد ۷ و ۸ به زمینه‌های مختلف، مأیوس می‌کند (Shanker, 2002, pp. 721-722).

به این ترتیب، به نظر می‌رسد توانایی نداشتن هیئت در تفسیر دقیق ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس، همواره بحث مشروعیت استثناءها را مبهم و انتقادپذیر باقی گذاشته است.

گفتار دوم: امکان استناد به اصول مندرج در کنوانسیون‌های تجمیع‌شده با تریپس
اعضای سازمان تجارت جهانی برای گردآوری کلیه اصول معتبر و مسلم مالکیت فکری، الزام به تبعیت از برخی مواد کنوانسیون‌های برن و پاریس را در موافقت‌نامه تریپس آورده‌اند.

چنانچه ماده (۱) ۲ اعضا را به رعایت مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷م) و مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن (۱۹۷۱م) ملزم کرده است.

پیروی از این مواد، موضوعات مختلفی را به همراه دارد؛ برای مثال برخی از این مواد در کنوانسیون‌های یادشده، در موافقت‌نامه تریپس نیز با تغییرات اندکی پیش‌بینی شده است. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که از نظر تفسیری کدام یک باید مبنای تفسیر قرار گیرد. هیئت در پرونده محصولات دارویی کانادا بیان می‌دارد:

برای تفسیر جامع و مانع موادی از تریپس که پیش‌تر در کنوانسیون‌های تجمیع‌شده در تریپس (مشابه و یا عیناً) نیز انعکاس یافته‌اند، افزون‌بر استفاده از متن و مقدمه موافقت‌نامه تریپس، باید از کنوانسیون‌های یادشده استفاده کرد. البته همواره باید به خاطر داشت که استفاده از این ابزار تنها در چارچوب ماده ۳۲ کنوانسیون وین و در مواقعی صورت می‌گیرد که معانی مبهم یا بی‌مفهوم باشد و یا به نتایجی منجر شود که آشکارا مبهم یا نامعقول است. (Panel Report, Canada – Patent Protection of Pharmaceutical Products, WT/DS114/R. 2000, p.1).

ارتباط میان موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون‌های گنجانده‌شده در آن را در پرونده موز (Eu_Banana Case, DS27, 1996, p.1) اتحادیه اروپا نیز می‌توان بررسی کرد.

در این پرونده نهاد داوری در گزارش خود ابراز داشت، عضویت اعضای یک معاهده در کنوانسیون دیگر، سبب معافیت آنها از تعهداتشان به موجب معاهدات پیشین نخواهد بود؛ حتی اگر مشابه آن مواد (با تغییرات اندک) در موافقتنامه لاحق پیش‌بینی شده باشد.

بنابراین اگر به موجب این کنوانسیون‌ها تعهداتی بر اساس تریپس بر اعضا بار شده باشد، نمی‌توانند به بهانه عضویت در تریپس از الزامات پیشین خود (خارج از موافقتنامه تریپس) سرباززنند.

یکی از بزرگترین دستاوردهای تفسیر موافقتنامه تریپس در قالب اصول نشئت گرفته از کنوانسیون پاریس است که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد.

با وجود پیش‌بینی نام تجاری در ماده ۸ کنوانسیون پاریس که بیان می‌دارد: نام تجاری بدون آنکه الزامی به تسلیم اظهارنامه یا ثبت آن باشد، در کلیه کشورهای اتحادیه حمایت خواهد شد؛ چه جزء علامت صنعتی یا تجاری باشد چه نباشد.

این حوزه در فهرست اموال فکری در ماده ۱(۲) موافقتنامه تریپس آورده نشده است. همین موضوع این شبهه را به ذهن متبادر می‌کند که آیا اعضای سازمان تجارت جهانی در قبال نام تجاری ملزم به حمایتی همسنگ علامت تجاری هستند.

این موضوع در پرونده‌ای با عنوان هاوانا کلاب (Havana Club) به بحث گذاشته شد. ماده ۲۱۱ قانون جامع ضبط اموال امریکا (Omnibus Appropriations Act 1998)، علامت و نام تجاری را در کنار یکدیگر قرار داده، هر دو را مشمول یک نوع حمایت می‌داند. هیئت رسیدگی در مرحله بدوی این پرسش را مطرح کرد که آیا اساساً موافقتنامه تریپس از نام تجاری حمایت می‌کند؟ چراکه:

- اول، ماده ۱(۲) موافقتنامه تریپس بیان می‌دارد که از لحاظ موافقتنامه حاضر، اصطلاح «مالکیت فکری» به کلیه انواع مالکیت فکری که موضوع بخش‌های ۱ تا ۷ قسمت دو هستند مربوط می‌شود و در همه این قسمت‌ها اسمی از نام تجاری برده نشده است. همچنین وقتی موافقتنامه در مقام بیان بوده، سکوت او در این خصوص را می‌توان نشانه قرار نگرفتن نام تجاری در حوزه مالکیت فکری از منظر موافقتنامه تریپس دانست.

- دوم، بررسی تاریخچه مذاکرات مقدماتی تریپس نیز نشان‌دهنده آنست که واضعان از همان آغاز نام تجاری را استثنا کرده‌اند. (Omnibus Appropriations Act 1998, Panel. (Report WT/DS176/AB/R, 2002, p.1

در این زمینه اتحادیه اروپا با انتقاد به هیئت رسیدگی اظهار داشت: درست است که نام تجاری در فهرست اموال فکری موافقتنامه تریپس جایی ندارد،

اما ماده (۱) ۲ اعضا را به رعایت مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس ملزم کرده است و ماده ۸ این کنوانسیون، حمایت از نام تجاری را برای اعضا الزامی می‌داند. در مقابل هیئت رسیدگی بر این باور بود، عبارت «در خصوص» (In Respect) در بند اول ماده ۲ تریپس مؤید آنست که مواد یادشده در موافقت‌نامه، تنها نسبت به قسمت‌های ۲، ۳ و ۴ اعمال خواهد شد و از آنجایی که در این قسمت‌ها هیچ صحبتی از نام تجاری نشده است، ماده ۸ کنوانسیون پاریس در چارچوب موافقت‌نامه تریپس لازم‌الاتباع نمی‌باشد.

با ارجاع پرونده به هیئت استیناف، رکن یادشده استدلال مرجع بدوی را رد کرد و اظهار داشت: وقتی ماده (۱) ۲ تریپس مواد ۱ تا ۱۲ را آورده است، کنار گذاشتن ماده ۸ که صرفاً به نام تجاری پرداخته، نادرست می‌باشد؛ چراکه قانون‌گذار در مقام بیان بود و می‌توانست این ماده را استثنا کند. افزون بر این، فهرست موافقت‌نامه تریپس در ذکر انواع دارایی‌های فکری حصری نمی‌باشد.

رکن استیناف اضافه می‌کند، اشتباه هیئت بدوی در آن است که حوزه مالکیت فکری را تنها محدود به موارد نامبرده در بخش‌های ۱ تا ۷ قسمت دو کرده است. (Omnibus. Appropriations Act Appellate Body Report, Panel Report WT/DS176/AB/R2002, p.1). هیئت استیناف با رأی خود، حمایت از نام تجاری را در قالب موافقت‌نامه تریپس به رسمیت شناخت و نیز رویکرد ایالات متحده در حمایت یکسان از نام و علامت تجاری را تأیید کرد.^۵

موضوع حمایت از نام تجاری برای کشور ما نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است چرا که باوجود پیش‌بینی آن در قانون تجارت و همین‌طور قانون مالکیت صنعتی مصوب سال ۱۳۸۶ ش، به دلیل نبود آیین‌نامه اجرایی برای ثبت آن، عملاً این حوزه همانند علامت تجاری حمایت نمی‌شود. بنابراین باوجود به رسمیت شناخته شدن نام تجاری به موازات علامت تجاری در جوامع بین‌المللی، خلأ قانونی ما در این زمینه در مناسبات بین‌المللی و قراردادهای احتمالی، راه را برای سوءاستفاده بازمی‌گذارد؛ لذا پیش‌بینی و تنظیم آیین‌نامه اجرایی جامع مطابق با استانداردهای بین‌المللی و تریپس برای حمایت از این شاخه مالکیت فکری ضروری می‌نماید.

5. For More Information about HVANA CLUB Case see:

-Bhala and. Gants, 2002,p.20,

-Dinan,2002,p.71

-Kimmerling,2008.pp.54-67

گفتار سوم: امکان پیروی از رویه‌های موجود در پرونده‌های پیشین در هیئت حل اختلاف

افزون بر اصول کلی تفسیر بر مبنای مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین در حقوق معاهدات، منابع دیگری نیز در تفسیر دعاوی ناشی از موافقت‌نامه تریپس به کار می‌آیند. یکی از این منابع که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، میزان تبعیت هیئت حل اختلاف از آرا و رویه‌های موجود در پرونده‌های پیشین (Stare Decisis) می‌باشد.

در سال ۱۹۹۶م ایالات متحده دعوایی علیه هندوستان (Us-India - Patent Protection for Pharmaceutical and Agricultural Chemical Products WT/DS50/R,p.1) در خصوص ثبت محصولات دارویی مطرح کرد. پس از امریکا اتحادیه اروپا دعوای دیگری (WT/DS79, 1997) با همان موضوع علیه هندوستان اقامه کرد.

اروپا در پرونده خود با توجه به یکسان بودن موضوع، از هیئت خواست رأی پرونده پیشین را در این باره نیز جاری کند. در مقابل هند معتقد بود با توجه به ماده (۴) ۱۰ و همچنین (۱) ۹ تفاهم‌نامه هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا اگر در این زمینه برای خود حقی قائل بود باید در زمان طرح دعوای ایالات متحده وارد می‌شد.

در خصوص ماده (۱) ۹ هیئت اظهار داشت، نص این ماده توصیه‌آمیز بوده، جنبه امری ندارد. همچنین مطابق این ماده، بررسی مشترک فقط در صورت امکان صورت می‌پذیرد؛ بنابراین هیئت استدلال هند را در این باره رد کرد.

در آغاز کار، رئیس وقت سازمان تجارت جهانی در اظهارات خود اعلام داشت که اتحادیه اروپا در دعوای امریکا علیه هند ثالث محسوب می‌شده است، اما او ضمن رد از میان رفتن حق اروپا برای طرح دعوا، اعضای هیئت رسیدگی کننده در پرونده امریکا را برای رسیدگی به ادعای اتحادیه اروپا فراخواند.

از دیدگاه مفسران، قوانین هیئت حل اختلاف برای ترغیب هر چه بیشتر اعضا به حل و فصل اختلافاتشان در این سازوکار وضع شده است و لذا با در نظر گرفتن ماده (۷) ۳ نیز محدود کردن حق طرح دعوا خود نوعی سلب اختیار اعضا در این است که چه وقت و در چه شرایطی به هیئت حل اختلاف مراجعه کنند (WTO Analytical Index:Guide WTO Law and Practice.Understanding on Rules and Procedure Governing the Settlement of DSU .Available at :http://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/analytic_index_e/dsu_04_e.htm#article .9,p.1).

در بررسی‌های صورت گرفته، هیئت ابراز داشت: حتی اگر موضوع مورد رسیدگی یکسان باشد، هیئت بدوی و استیناف الزامی به تبعیت از آرای گذشته ندارند؛ بنابراین

گزارش هیئت بدوی و استیناف در دعوای امریکا علیه هند در خصوص این پرونده لازم الاتباع نیست و رسیدگی به این پرونده باید با توجه به ماده (۴) ۱۰ هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در قالب یک جلسه جدید صورت گیرد.

با این حال، هیئت استیناف در نهایت به نحو دیگری عمل کرد و بیان داشت که در بررسی این پرونده باید به ماده (۴) ۱۰ هیئت حل اختلاف مراجعه کرده، به گزارش پرونده پیشین توجه نمود. هیئت استیناف مستند خود را ماده (۲) ۳ عنوان کرد و به نقش هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در برقراری شرایط مساعد و امنیت کاری و نیز ایجاد قابلیت پیش‌بینی در روابط تجاری چندجانبه تأکید نمود. افزون بر اینکه هیئت با در نظر گرفتن پرونده پیشین و همسان بودن موضوع هر دو پرونده و نیز محکومیت هند در دعوای گذشته، بار اثبات دلیل را برعهده هند گذاشته، اصل را بر صحت ادعای اروپا در تجاوز از ماده (۸) ۷۰ موافقت‌نامه تریپس قرار داده است.

سایت سازمان تجارت جهانی در بحث تحلیلی خود در خصوص پیروی از رویه قضایی، بیان می‌دارد که هیچ قانونی مبنی بر الزام‌آور بودن آرای پیشین، حتی در موضوع مشابه، وجود ندارد. (legal Status of Adopted/Unadopted Reports in Other Disputes, Available at: www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dis_p_settlement_cbt_e/c7s2p1_e.htm,p1).

با این حال، زمانی که استدلال هیئت پیشین در دستیابی به یک رأی برای هیئت رسیدگی‌کننده در پرونده لاحق با موضوع یکسان یا مشابه قانع‌کننده بنماید، احتمال تکرار رأی پیشین بسیار بالاست؛ چراکه این رویکرد با ماده (۲) ۳ قانون رسیدگی در هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و مبانی تجارت بین‌الملل در راستای برقراری امنیت و قابل پیش‌بینی بودن شرایط موجود سازگار است.

در تأیید این موضوع، عملکرد هیئت در پرونده حمایت از اختراعات هند نیز توجه‌برانگیز است؛ چنانچه همانطور که گفته شد، با وجود اظهار نظر شتابزده هیئت در آغاز کار، در نهایت هیئت رأی پرونده امریکا- هند را مبنای تصمیم خود قرار داد.^۶

نتیجه

۱. پرونده‌های برگرفته از موافقت‌نامه تریپس هرچند نسبت به سایر موضوعات تجاری

۶. در خصوص نقض قوانین تریپس از سوی هند، هیئت استیناف اظهار داشت: ما برتری بخشنامه‌های اداری هند، در صورت تناقض با قانون را تأیید نخواهیم کرد.

مطرح شده در هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی کمتر است، از همین تعداد نیز برخی دربردارنده نکات تفسیری قابل تأملی می باشد. برای مثال، یکی از موضوعات مهم وتأثیرگذار بحث پیروی از رویه قضایی هیئت است؛ در پرونده اتحادیه اروپا علیه هند، گرچه هیئت در گزارش خود از تلقی رویه قضایی به عنوان یک اصل قابل اتکا خودداری کرد، اما در عمل رأی پیشین را مبنای تصمیم خود قرار داد. از این روی به نظر می رسد کشورهای در حال توسعه می توانند با در نظر گرفتن ادعای هیئت مبنی بر تأثیر نپذیرفتن از ملاحظات سیاسی در روند صدور آرا و نیز قابل پیش بینی بودن اوضاع و احوال به عنوان ویژگی های ذاتی تجارت بین الملل، در موضوعات مطرح شده در هیئت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، به نفع خود سود برند.

۲. برخی از اصول تفسیر هیئت، دربردارنده دستاوردهای چشمگیری است؛ چنانکه استناد به اسناد حقوقی مشمول موافقت نامه ترپیس، راه حمایت از نام تجاری را بر اساس ماده ۸ کنوانسیون پاریس باز کرده، آن را هم تراز علامت تجاری قرار داده است. این موضوع برای کشور ما که آیین نامه ای اجرایی برای ثبت نام تجاری در آن وجود ندارد، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و اصلاح قوانین ما را مطابق با استانداردهای بین المللی و ترپیس در راستای حمایت از این شاخه مالکیت فکری ضروری می نماید. با این حال، هیئت در بررسی های خود یکی از استثنای پذیرفته شده نظیر استثنای بولار را با وجود اشاره غیرمستقیم، در پرونده حمایت از اختراعات دارویی کانادا پذیرفته و بر آن مهر تأیید زده است. استثنای بولار تاکنون در قوانین ۸ کشور از کشورهای در حال توسعه از قبیل برزیل و هندوستان لحاظ شده است. این موضوع برای کشور ما که در زمینه تولید داروها به قابلیت های درخور توجهی دست یافته، دارای اهمیت است؛ چراکه با بهره مندی از این استثنا می توانیم بی درنگ پس از انقضای مدت اختراع ثبت شده، وارد چرخه رقابت مبادلات دارویی شویم.

۳. همان گونه که گفته شد، ویژگی ذاتی موافقت نامه ترپیس، بیان حداقل ها برای حمایت از مالکیت فکری است که به کشورها این امکان را داده است تا قوانین داخلی خود را مطابق با سیاست ها و مقتضیات اجتماعی خود تنظیم کنند. این موضوع به خصوص برای کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد؛ برای مثال، در بحث استثناها، کشورهای در حال توسعه با در نظر گرفتن نیازهای اقتصادی شان، می توانند با به کارگیری فنون و ابتکار خاص خود در پیش بینی قوانین، از این موضوع نهایت استفاده را ببرند. با این حال این نکته را نیز باید مدنظر داشت که موافقت نامه ترپیس در چارچوب سازمان تجارت جهانی با اهداف تجاری پیوند خورده است و بحث توجه به اهداف، در تفاسیر صورت گرفته از سوی هیئت از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ بنابراین کشورها در

تنظیم قوانین خود افزون بر رعایت چارچوب موافقت‌نامه، باید مبانی سازمان تجارت جهانی و روح تجارت آزاد را همواره مدنظر داشته باشند.

۴. مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در راستای پیاده‌کردن اهداف عدالت توزیعی مبنی بر پیش‌بینی ابزار و برنامه‌های خاص در راستای حمایت از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی، بخشی را در تفاهم‌نامه هیئت حل اختلاف به رفتار ویژه با این گونه کشورها اختصاص داده که در قالب آن به ذکر تسهیلات و ارفاق‌هایی، به خصوص در زمینه مواعد، در قبال این کشورها پرداخته است. همچنین این مواد دربرگیرنده نکاتی است که در مراحل مختلف رسیدگی برحسب شرایط و در صورت تقاضا، در نظر گرفته می‌شود.^۷ با وجود آنکه برخی عبارات به کاررفته در این مواد بسیار کلی و مبهم است، با نگاه خوش‌بینانه و فرض نفوذ نکردن دیدگاه‌های سیاسی، کشورهای در حال توسعه می‌توانند از این اصول در مسیر رسیدگی و تفسیر پرونده به نفع خود سود برند.

۵. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده، پیوستن آن به عنوان یکی از اعضا دور از انتظار نیست؛ بنابراین شایسته است، قانون‌گذار با توجه به اصول استنادی سازمان، برای استحکام هرچه بیشتر قوانین و جلوگیری از بروز هرگونه مشکل در آینده، به اصلاح و تکمیل قوانین مرتبط بپردازد. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای بررسی اصول استنادشده از سوی هیئت و نیز تحلیل پرونده‌های مختلف و استخراج نکات قابل‌اعتنای آنها در این زمینه، می‌تواند ابزاری برای تقویت برنامه‌های عملی گروه مذاکره‌کننده ایران باشد که این کار می‌تواند با مشارکت دانشگاه‌ها، دفتر تام‌الاختیار تجاری و دیگر مراکز علمی معتبر صورت گیرد. با توجه به اینکه جریان رسیدگی در هیئت حل اختلاف متوقف نخواهد شد، هر روز می‌توان شاهد مسائل و اصول جدیدی از برآیند پرونده‌های رسیدگی‌شده در این مرجع بود؛ بنابراین این موضوع از پویایی خاص خود برخوردار است و هیچ‌گاه از اهمیت بررسی عملکرد هیئت کاسته نخواهد شد.

۷. برای مثال، اجرای آرا در زمان‌بندی تعیین‌شده، نباید به نحوی صورت گیرد که سبب ورود ضرر به اقتصاد کشورهای در حال توسعه گردد.

منابع

الف) كتابها

1. Kamil Yasseen, Mustafa ,1996, Year Book Of International Law Commision,Summary records of the second part of the seventeenth session,2Edition,New York,United Nation Publication.

ب) مقالهها

2. Brian, Slocum and G.Linguistic,2010, "Ordinary Meaning Determination.Statute Law Review, Oxford University,Vol.31,No.3,pp.133-178.
3. Dinan, Donald R,2002,"An Analysis of the United States-Cuba "Havana Club" Rum Case Before the World Trade Organization",Fordham International Law Journal, Vol. 26 › No.2,pp.337-356.
4. Frankel, Susy ,2011," The Applicability of GATT Jurisprudence to the Interpretation of the TRIPS Agreement" Victoria University of Wellington Legal Research Papers ,vol 1,No.33.pp.112-127.
5. -----,2005," The WTO's Application of 'the Customary Rules of Interpretation of Public International Law' to Intellectual Property", Virginia Journal of International Law,Vol. 46,No.2.pp.365-431.
6. Jonas, David S,and Saunders, Thomas N,2010,"The Object and Pupose of Treaty",Vanderbilt Journal of Transnational law,Vol. 43,No3,pp.281-331.
7. Kapczynski, Amy,2009, "Harmonization and Its Discontents: A Case Study of TRIPS Implementation in India's Pharmaceutical Sector", California Law Reviw,Vol.97.No.6,pp.228-261.
8. Mahendra, Vikas ,2011" Cross Retaliating under the TRIPS Agreement - Probing an Efective Strategy", German Working Papers in Lawand Economics,Vol.1,No.2,pp.100-127.
9. Y.Peter.k,2009,"The Objectives and Principle of The TRIPS Agreement", Houston Law Review, Vol.46,No.4,pp.124-186.
10. Kimmerling,Stephen.J,2008,"Havana Club: A Case Summary and an Analysis of Legal Issues",Arizona Journal of International and Comparative Law,Vol 25,No2,pp.357-378.

ج) پایان نامهها

11. Shaban Ali Saif Altaer,Ahmad,2010, The WTO and Developing Countries: The Missing Link of International Distributive Justice, Doctoral Dissertation, University of Portsmouth Hants United Kingdom,pp.55-83.

د) سایتها

12. <http://terrorism.about.com/od/s/g/SDN.htm>, Last Visited 15/04/2013.
13. <http://cfr.vlex.com/vid/500-306-specially-designated-national-19750515>, Last Visited 15/04/2013.
14. <http://definitions.uslegal.com/o/ordinary-meaning-rule>,Last Visited 3/09/2013.
15. www.icj-cij.org/docket/?sum=634&code=op&p1, Last Visited 15/04/2013.
16. www.wto.org,Trade Topics › Dispute Settlement › the Disputes,last Visited 31/7/2012.